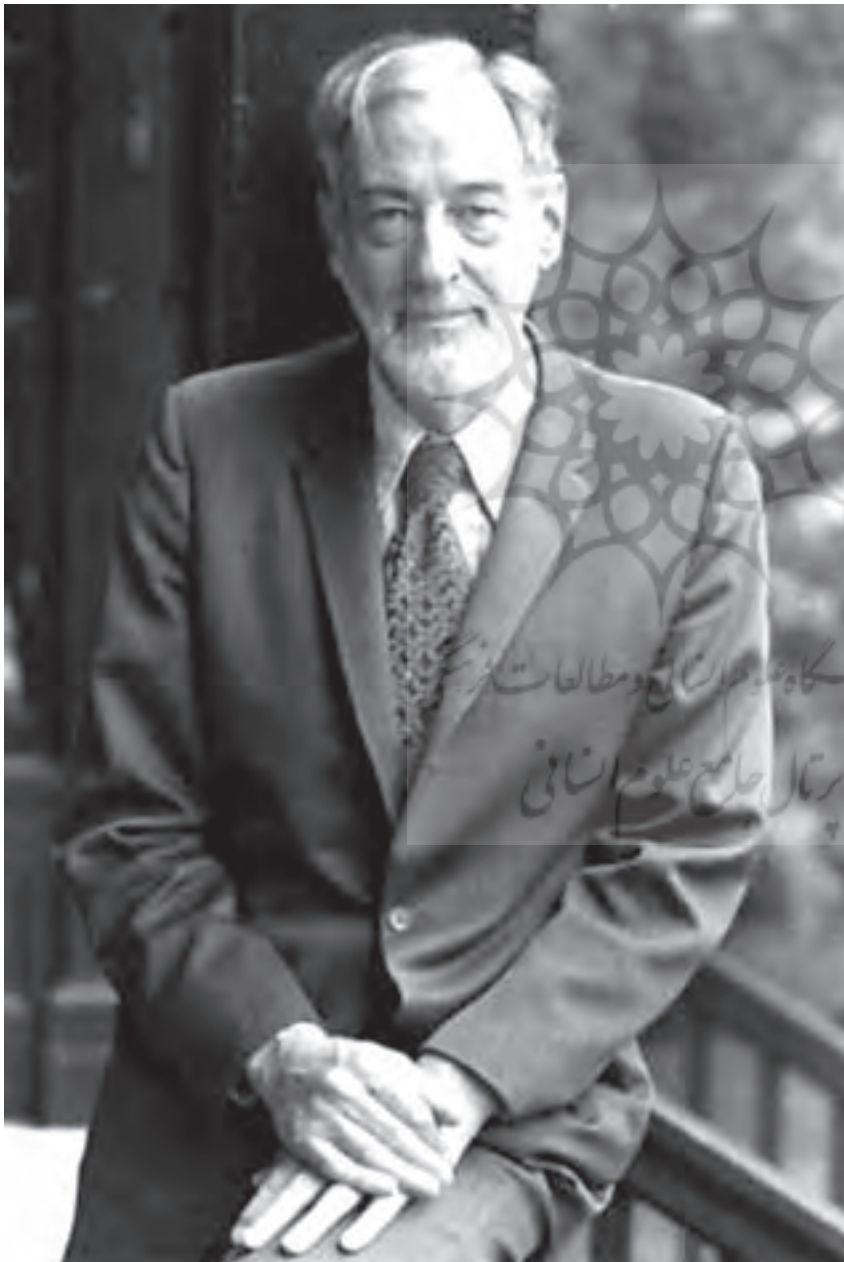


# جالینگ کوپمانز

Tjalling Koopmans

برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۵

ندا بشیری<sup>۱</sup>



دریافت جایزه به پاس: تلاش در بهبود تئوری

تخصیص بهینه منابع

کوپمانز اقتصاددانی است که در سال ۱۹۷۵ به دلیل تلاش در پیشبرد مطالعات مربوط به برنامه‌ریزی خطی یا تجزیه و تحلیل فعالیت‌های اقتصادی، همراه با لئونید کانترویچ موفق به دریافت جایزه نوبل اقتصاد شد.

بیوگرافی:

جالینگ کوپمانز در ۲۸ آگوست ۱۹۱۰ به دنیا آمد. کوپمانز در کراولند کشور هلند به دنیا آمد. او تحصیلات دانشگاهی اش را در سن ۱۷ سالگی در دانشگاه اوترخت (Utrecht) در رشته ریاضی آغاز کرد. ۳ سال بعد در ۱۹۳۰ او به سمت فیریک محض گرایش پیدا کرد. در ۱۹۳۳، او جان تین برگن برنده نوبل سال ۱۹۶۹ را ملاقات کرد و این نقطه عطفی در زندگی جالینگ کوپمانز ۲۳ ساله شد. بر اثر این آشنایی و علاقه مندی به اقتصاد، او به آمستردام نقل مکان کرد تا تحت نظر جان تین برگن به مطالعه ریاضیات اقتصادی بپردازد. همزمان با این کار کوپمانز شروع به پژوهش‌هایی در حوزه‌های اقتصاد و آمار هم کرد.

در ۱۹۴۰ کوپمانز به آمریکا رفت و در واشنگتن دی سی کارمند دولت شد و در آنجا یکی از برترین آثار خود یعنی اقتصاد حمل و نقل (ترابری) را منتشر کرد، که در این اثر به میزان زیادی بر مسیر بایی بهینه (optimal routing) تمرکز کرده بود. در سال ۱۹۴۴ به کمیسون «کاولز» که متشکل از اقتصادسنجان جوان و ابسته به دانشگاه شیکاگو بود، پیوست.

پس از واشنگتن وی به شیکاگو رفت و به عضویت گروه پژوهشی دانشگاه شیکاگو درآمد.

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل، سرپرست بورس قزوین

بلند مدت هر سازمان است و سیاستها و هدفهای برنامه هر سازمان در تخصیص بهینه منابع به فعالیتها انعکاس مییابد.

در همین زمان و با عنایت به این موضوع، کوپمانز همواره کوشید تا تجزیه و تحلیل فعالیتها را در موضوع تخصیص منابع به کار ببرد و ارزیابی طرحهای سرمایهگذاری را بهبود ببخشد. فریدمن از اندیشمندان لیبرال معتقد است که در معادله نابرابر تخصیص منابع محدود در میان نیازهای نامحدود بازار یگانه تخصیصدهندهی کارآمد منابع اقتصادی است. کوپمانز اما میخواست بیان نماید که، در چه شرایطی میتوان بهترین نوع فعالیت را ایجاد نمود و یا چگونه فعالیتهای نامناسب را اصلاح کرد تا پس از مشخص شدن این موضوع، منابع در اختیار چه فعالیتهایی قرار گیرد؟ مثلاً در فعالیتهای فاینانس برای سرمایه پذیران و یا فعالیتهای سرمایه گذاران باتوجه به جهت گیری سرمایه گذاران، منابع مالی به چه صنایع یا فعالیتهایی تخصیص یابند، که از سود بیشتر با ریسک کمتری برخوردار گردند و این امر موجب تخصیص بهینه در منابع گردد؟ مقالات و آثار منتشره کوپمانز:

۱. Three Essays (1975) سه مقاله: در باب تفسیر نظری، کلاسیک و روش شناختی تئوری تعادل عمومی Neo walrasian
۲. اثر بخشی فنی در تولید (1951) Technical efficiency in production
۳. پیشینه سازی سود (1951) Profit Maximization
۴. بازنویسی مقالاتی در باب مدل نئوکلاسیک رشد (1965) Neoclassical growth model (1967)
۵. تجزیه و تحلیل رگرسیونهای خطی و سریهای زمانی 1937
۶. تخمین آماری در ساده سازی روابط اقتصادی ۱۹۴۵
۷. اندازه گیری بدون تئوری ۱۹۴۷
۸. شناسایی مشکلات در ساخت مدلهای اقتصادی ۱۹۴۹
۹. بهینه سازی مطلوبیت در سیستم حمل و نقل ۱۹۴۹
۱۰. تخصیص کارایی منابع ۱۹۵۱
۱۱. یک مدل حمل و نقل ۱۹۵۱ (کار مشترک)
۱۲. تحلیل فعالیت و کاربردهای آن ۱۹۵۳
۱۳. مفهوم رشد بهینه اقتصادی (۱۹۶۵)
۱۴. تفسیر و مقایسه سیستمهای اقتصادی ۱۹۷۱
۱۵. مفاهیم بهینه سازی و کاربردهای آن ۱۹۷۱
۱۶. مثالهایی از روابط تولید بر پایه میکرو دیتا ۱۹۷۷
۱۷. اقتصاد در بین سایر علوم ۱۹۷۹
۱۸. ثبات و تفاوتهای ثابت کششهای قیمتی تقاضا ۱۹۹۰

در ۱۹۴۶ او به تبعیت امریکا درآمد. او در سال ۱۹۴۸ در تألیف کتاب "استنتاجات آماری در مدلهای اقتصادی پویا" همکاری داشت. در ۱۹۵۵ که کمیسیون کاولز به دانشگاه ییل پیوست، به دانشگاه ییل رفت و در آن دانشگاه کار بر دو مقوله اقتصاد رشد بهینه و همینطور آنالیز فعالیت را در پیش گرفت. کوپمانز نیز به استادی این دانشگاه رسید. شغلی که تا موقع بازنشستگی در سال ۱۹۸۱ آن را حفظ کرد.

کوپمانز در سال ۱۹۵۰ رییس انجمن اقتصادسنجی و در سال ۱۹۷۸ رییس انجمن اقتصاددانان آمریکا شد.

کوپمنز درجات دکتری افتخاری متعددی از دانشگاههای مختلف از جمله هلند، بلژیک و آمریکا دریافت داشته است.

کوپمانز موسیقیدانی بارز بود و موسیقی سرگرمی سراسر عمر ۷۵ ساله او بوده است.

در سال ۱۹۷۵، کوپمانز جایزه نوبل اقتصاد را (به همراه لئونید کانتروویچ) به خاطر مشارکت در زمینه پیشرفت تئوری تخصیص منابع (Resource allocation)، مخصوصاً تئوری استفاده بهینه از منابع اخذ کرد. او در این مطالعات همچنین به روابط متقابل دادهها و ستاندهها در فرایند تولید و ارتباط آنها با کارایی اقتصادی و قیمتها پرداخته بود. در علم اقتصاد و در تئوری تولید، حداکثر تولید و بازدهی توسط بهترین ترکیب دادهها اخذ می گردد.

اما آیا این تابع تولیدی ایده آل واقعا وجود

دارد؟ خیر، یک بنگاه تولید کالا و خدمات، نه تنها تمام عوامل را به صورت کامل و کارا در اختیار ندارد، بلکه با وجود به دست آوردن همه عوامل نیز، عملاً ترکیب ممکن تمام دادهها را در اختیار ندارد. بنابراین بهتر است به سراغ تحلیل فعالیتها رفته و نقش فعالیتها را در تولید محصول نهایی آنالیز کرد.

کوپمانز در مقاله ای با عنوان "تجزیه و تحلیل تولید به منزله تولید موثر فعالیتها"، در سال ۱۹۵۱، تجزیه و تحلیل فعالیتها و اثر آن در حل بسیاری از مسائل سنتی اقتصاد حمل و نقل را کشف کرد. او در کتاب دیگری در سال ۱۹۵۷ تحت عنوان سه مقاله درباره وضع علم اقتصاد این موضوع را با نظریه تعادل عمومی مربوط کرد و خاطرنشان ساخت که بسیاری از نتایج اقتصاد متعارف را میتوان با زبان تجزیه و تحلیل فعالیتها بیان کرد. از طرفی در تولید محصولات، همیشه به علت محدودیت منابع و نامحدود بودن نیازهای جامعه، مسأله تخصیص بهینه منابع مطرح میشود. همانطور که می دانید، **تخصیص بهینه منابع** مهم ترین ابزار اجرای استراتژی و برنامه ای

در ۱۹۴۰ کوپمانز به امریکارفت و در واشنگتن دی سی کارمند دولت شد و در آنجا یکی از برترین آثار خود یعنی اقتصاد حمل و نقل (ترابری) را منتشر کرد، که در این اثر به میزان زیادی بر مسیر یابی بهینه (optimal routing) تمرکز کرده بود. در سال ۱۹۴۴ به کمیسیون «کاولز» که متشکل از اقتصادسنجان جوان وابسته به دانشگاه شیکاگو بود، پیوست.